

فشرده اش نمی توان فهمید که می گیرد • همشهری او را از میان جمعیت بیرون میکشند •  
 يك عضو انجمن شهر، يك روزنامه نگار و يك پزشك به خود جرات داده اند و به نعایش حقارت آمیز باغ وحش تهران اعتراض کرده اند • ولی چه کسی به اعتراض آنها گوش میدهد؟ • عکس " علی غول " روزنامه های تهران را می آراید و صدای بلند گو ها تیکه پشاهنگان " تعدن - بزرگ " برفرق اتومبیل های خود نشانده اند ، بسرای کشاندن مردم به باغ وحش لحظه ای قطع نمی شود •  
 به عکس علی ، که از پشت میله های قفس خود با اندو بخارج می نگرند ، نگاه می کنم • او مظهر فقر ، بیماری

بی حقی ، خواری و رنج انسان است • وجود او سرآپا ، سرنوشت همه مردم ستعکس میهن ما را فریاد میزند • مردمی که رنج میبرند ، آدمهایی که بزحمت روی پای خود ایستاده اند •

صدای کربلائی محمود همچنان شنیده میشود :  
 - علی جان ، اینجا چکار میکنی ، برای چه باینجا آمده ای؟ •

ومن می بینم ، این بیچاره برمیخیزد ، می ایستد ، فریاد میکشد ! این خیال نیست • روزنامه هانوشته اند ، علی در قفس خود طغیان کرده است !

۱ • البرز

## "سیسی ها" و نامه‌ی يك جاسوس

کوشی که این اولین و آخرین نامه‌ی يك مأمور ساواک به مافوق خود بوده است که ما با انتشار آن ، عسدهای از عناصر مخفی سازمانهای سیاسی را به ساواک معرفی کرده ایم ! هر فردی که با القبای کار سیاسی و شیوه عمل سازمانهای پلیسی به خصوص ساواک ، آشنائی دارد میدانند که این نوع گزارش دهی یکی از وظایف اولیه و معمولی مأمورین ساواک در این نوع تجمعهای دانشجویی است •

دانشجویانی که در ایام تعطیلات به ایران میروند و از طرف ساواک احضار میشوند ، به گرات با این نسوع پرس وجوها روبرو بوده و هستند • تعداد کثیری از این دانشجویان بعد از سفر به ایران و قرار گرفتن در مقابل این نوع بازخواستها ، به انتقاد علیه این شیوه مبارزه برخاسته و حتی تعدادی از آنها از اتحادیهها کناره گیری کرده اند • دانشجویان میگویند ، اطلاع ساواک از فعالیت آنها به طور عمده از محلهای غلنی بی کنترل نظیر اتحادیه های دانشجویی و منزهاست • البته صرف نظر از آن اطلاعات داخلی که پارسا نژاد -ها ، لاشائی ها ، فولادی ها و سیروس نهبانندی ها و به خصوص در هامبورگ جاسمی ها ، در اختیار ساواک قرار داده اند •

سازمان دانشجویان ایرانی شهر هامبورگ " CIS " (وابسته به " سازمان انقلابی " ، که در میان دیگر نیروهای کنگد راسیون به نام خط راست سازمان معروف است) بعد از انتشار " نامه‌ی يك جاسوس - گزارشی که ره کم کرد " در آرمان شماره ۲ ، سال سوم اردیبهشت ۵۶ ، همانطور که انتظار میرفت نوشته ای با عنوان " جنبش دانشجویی را هرچه بیشتر بسط و توسعه دهیم " • انتشار داد تا به حساب خود همدارهای ما را به دانشجویان در مبارزه علیه مأمورین ساواک و پدیده های منفی ناشی از روشهای غیر اصولی مبارزه در شرایط ترور و اختناق را بی اهمیت جلوه دهد • " سیسی " پس از دشنامهای خود علیه سازمان ما مینویسد :

" در این نامه اسم تعدادی از دانشجویان در شهر هامبورگ ذکر شده که بنا بر برنامه‌ی جیره خوار ساواک علیه رژیم ، " رسما اعلامیهها را پخش میکردند • " بدین ترتیب " آرمان " که گزارش جاسوس ساواک " ره کم " میکند و به دستش می رسد ، زحمت رساندن این نامه بدست ساواک را بعهده گرفته و بجای آن اقدام ورزیده است • "

○ سیسی ( CIS ) : کنگد راسیون دانشجویان ایرانی وابسته به " سازمان انقلابی "

در مقاله‌ی " جنبش دانشجویی را هرچه بیشتر بسط و توسعه دهیم " که بهتر است بخوانید : بیشتر آنرا تجزیه کنیم ، انشعابات بی در پی ایجاد کنیم ، به انحراف بکشانیم و افراد آنرا رسماً به عنوان یک گروه خاص سیاسی به ساواک معرفی کنیم . همچنین آمده است که :

" علت چاپ نامه رالزوما " گوشزد کردن " تجربه‌ی سالها مبارزه در شرایط ترور و اختناق برای دانشجویان میهن پرستی که در صفوف جنبش دانشجویی قرار دارند ، ذکر کرده تا آنها را از " مشی سازمانی نادرست " نجات دهد . ولی چرا موقعیت " گوشزد کردن " این " تجربیات گرانبها " که نامهی یک ساواکی مورخ تقریباً سه سال پیش بر انگیزاننده اش بوده ، سه سال به عقب افتاده است ؟

( ما در این موضوع شکی نداریم که " سیاسی ها " خیلی دلشان میخواهد بدانند که این نامه چطور و به وسیله‌ی چه کسانی به دست ماریسده ، ولی باید بدانند که با این نوع زرنگی هانمی - تواند به گنه مسئله پی ببرند . ک )

چرا این دایه های مهربانتر از مادر " که پالها علیه جنبش دانشجویی توطئه چیده و لجن پراکنی کرده اند حالا ناکهان بیسواد " گوشزد کردن " تجربیات گرانبهای " خود افتاده اند ؟ " ( همان نوشته )

اینطور که پیدا است نویسنده یا خود را عداً به کیم حافظگی زده است و یا از جریانات گذشته بی خبر است . کافیت به صورت جلسات سمینارها و کنگره های کنگذ را - سیون و رسالات متعددی که درباره‌ی " بحران دورن کنگذ راسیون " از ظرف رفقای ما از سالهای بعد از ۱۹۶۴ نوشته شده ، از جمله در " واقعیت مبارزه چه میطلبد " ، " به علاقمندان جنبش دانشجویی " و " گفتنی ها " مراجعه کرد تا دید که ما سالهاست این سرنوشت رقت انگیز را برای کنگذ راسیون پیش بینی میکردیم . علاوه بر این حزب توده‌ی ایران بارها در نشریات خود از جمله در " پیکار برای دانشجویان " و در جزوهای " ما و کنگذ راسیون " و " باز هم ما و کنگذ راسیون " ، دقیقاً عاقبت دردناک ناشی از این مشی را گوشزد کرده است . اما همین ماثویستها ، همین جاسمی ها و فولادی ها و سایر طرفداران شان بودند که با جملاشی نظیر آنچه در همین نوشته‌ی " سیس " آمده است :

" تلاش مذبوحانه‌ی دیگر تا شاید فرجی حاصل شود . این تجربیات عوامل ستون پنجم ابرقدرت جنایتکار و تجاوز کار شوروی ( که

برای پرسر و صدا بودن ورق پاره‌ی آرمان مدعی است در شرایط ترور و اختناق به دست آورده ) چیست ؟ "

آن زمان هم مانند امروز به جای جواب منطقی به انتقاد و پیشنهاد های ما ، به قسب واقعیت ، به دشنام گوئی ، به هیش و هو کشیدن و کتک کاری در جلسات میپرداختند و تازه امروز طوری درباره‌ی " موفقیت " خود و " کنگذ را - سیون " هوار میکشند که اگر کسی از جریانات بی خبر باشد ، فکر میکند علی آباد هم شهرست و یک سازمان واحد و یکپارچه به نام " کنگذ راسیون " وجود دارد . در صورتیکه کنگذ راسیون به شش بخش رسمی تقسیم شده که هیچکدام چشم دیدن دیگری را نداشته و هر کدام هم به تنهایی دعوی رهبری کل جنبش دانشجویی را دارد ! " سیسی " ها که از همان اوان خیانت لاشائی و جانب داری دبیران وابسته به " سازمان انقلابی " ( بعد ستور رهبری سازمان انقلابی ) از لاشائی و دفاع از " سیاست مستقل و ملی شاه " به عنوان " خط راست سازشکار " او به عنوان عاملین اصلی تفرقه و انشعاب ، از دیگر گروه های کنگذ راسیون طرد شده اند ، خنده دار است که علیه ما مینویسند . . . . تلاش مذبوحانه‌ی ای برای از هم پاشیدن کنگذ راسیون در انشعاب ایران را در پیش گرفتند . . . . مانعید انیم مقصود کدام کنگذ را - سیون است که ما " تلاش مذبوحانه‌ی ای برای از هم پاشیدن " آن " در پیش گرفته ایم ؟ خوب است آقایان " سیسی " ها نظری به اطراف خود بیفکنند و آنوقت دعوی رهبری و دلسوزی برای " کنگذ راسیون " به مثابه‌ی سازمان واحد دانشجویی بنمایند . یکی را توی ده راه بغیاد اند ، سراج خانهای کدخدا را میگرفت !

ما همواره تذکر داده ایم که تجربه‌ی سالها مبارزه‌ی ما چه در داخل و چه در خارج کشور و تجربه‌ی سایر خلقها در زمان تسلط رژیمهای دیکتاتوری نظیر رژیم ایران ، ثابت کرده است که برگزاری جلسات بی درو پیکر و بی کنترل از مخالفان رژیم کاملاً نادرست است . این یک حکم بدیهی است که پلیس با انواع حیل کوشش میکند که در سازمانهای مخفی ، رسوخ کند ، فعالین آنها را بشناسد و به جریانات داخل سازمان آگاه شود . این هم طبیعی است که جلسات علنی این سازمانها کسار پلیس را ساده تر میکند . حالا این آقایان با دست خود جلسه‌ی ای از اعضا و هواداران سیاسی خود ترتیب میدهند و به حساب خود برای رد گم کردن پلیس اسمش را میگذارند " سازمان دانشجویان وابسته به " سیس " یا " فیس " و یا " کنگذ راسیون احیا " و یا " کنگذ راسیون . . . . " در حالیکه مسایلی را مطرح میکنند که مربوط به

سازمان خاص سیاسی است. از جمله می‌خواهند مسحانه رژیم منور شاه را سرنگون کنند!

در بعضی از شهرها مانند برلن غربی، هر جمعه شب ۴ اتحادیه‌ی رسمی دانشجویی جلسه‌ی علنی دارند. این جلسات با اینکه نام اتحادیه‌ی دانشجویی را با خود حمل می‌کنند، در عمل نشستهای گروههای خاص سیاسی است. در این جلسات حتی بر علیه گروههای سیاسی دیگر که در شرایط پنهانی فعالیت می‌کنند، اعلامیه می‌دهند و درباره‌ی اصولیت این شیوه‌ی مبارزه‌ی موقراتیک یا آن شیوه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه نظر می‌دهند و برای سازمانهای سیاسی رهنمود صادر می‌کنند.

برای ما این معما حل نشده که چطور این آقایان ادعا دارند که سازمانهای دانشجویی حق دارند همه‌ی مسائل سیاسی مربوط به سازمانهای مخفی سیاسی را در جلسات علنی خود طرح کنند و با اینکه از گزند پلیس مصون بمانند، در صورتیکه سازمانهای سیاسی مخفی مرتباً تحت پیگرد پلیس هستند؟ آنها به جای جواب اصولی به این سؤال ما و روشن کردن ماهیت واقعی "سیس" برای دانشجویان، اینطور مینویسند:

"در طی این سالها تجربه نشان داده که مهمترین مشکل مخفی کاری در این جنبش توده‌ای، بسط و توسعه‌ی پایه‌های کف در - سیون و گسترش صفوف آن است."

سؤال اینجا است: کدام جنبش توده‌ای؟ شما چند درصد دانشجویان خارج از کشور را در بر میگیرید؟ "بسط و توسعه‌ی پایه‌های کف در سیون و گسترش صفوف آن" جمله‌ی بسیار زیبایی است، ولی بسط و توسعه‌ی پایه‌های کف در "کف در سیون"؟ "کف در سیون" وابسته به "سازمان انقلابی (سیس)"، "کف در سیون" وابسته به "توفان"، "کف در سیون" وابسته به "جبهه‌ی ملی"، "کف در سیون" وابسته به "۱۹ بهمن"، "کف در سیون" احیا، برای وحدت شماره ۱، "کف در سیون احیا" برای وحدت ۰۰۰ شماره ۲؟

حتماً منظور "بسط و توسعه‌ی پایه‌های کف در سیون" انقلابی است؟ لابد میخواهید اعضا و هواداران "سازمان انقلابی" را با توسعه‌ی "سازمان انقلابی" مخفی کنید؟ زهی منطق! آخر شما هنوز هم نمیخواهید از خر شیطان پائین بیایید و اعتراف کنید که دیگر کف در سیونی به عنوان سازمان واحد دانشجویی وجود ندارد؟ فکر میکنید تا کی با این نوع جملات زیبا، ولی بی پایه میتوانید عده‌ای را دور خود جمع کنید؟ شما حتی نتوانستید با مائوئیستهای "توفان" در یک سازمان همزیستی کنید. حالا درباره "بسط و گسترش صفوف

کف در سیون قلمفرسایی میکنید؟! به طور مشخص جواب این سئوالات ما را بدهید: ما میگوئیم جلسات شما ویرین ساواک است. جوانان را به این جلسات میکشاند و کافست يك مأمور ساواک در جلسه باشد و از همه‌ی قضایا سردریاورد. جواب دهید، چرا ویرین ساواک نیست؟ چرا با اینکه شما که گویا پشتیبان مبارزه‌ی مسلحانه برای سرنگون ساختن رژیم شاه هستید، نه تنها تحت تعقیب ساواک قرار نمیگیرید، بلکه مورد حمایت رژیم نیز قرار میگیرید. چرا؟ شما چه حق ویژه‌ای در مقابل ساواک دارید؟ آیا سازمان زرد وابسته به حزب رستاخیزید؟ ما از شما جواب صریح میخواهیم، نه اینکه دوباره با دشنامهای نظیر:

"این جیره خواران یعنی دارودسته‌ی کمیت‌های مرکزی که دیگر سی سال میشود که در زیر سایه‌ی برجهای کرملین کنگر خورد و لنگر انداخته‌اند، در برخورد به جنبش دانشجویی ما تلاش دارند اینطور وانمود کنند که علنی بودن جنبش دانشجویی باعث لو رفتن و در نتیجه جلوگیری از "بازگشت به میهن و ادامه‌ی مبارزه در صحنه‌ی اصلی مبارزه میشود." زندگی خود بهترین شاهد و خورشید زنده پرهان است. (تکه از ماست)

"زندگی خود بهترین شاهد و خورشید زنده پسران است" یعنی چه؟ یعنی اینکه رژیم با مخالفین خود کاری ندارد؟ یا اینکه شما مخالف رژیم نیستید؟ نباید از این دو حال خارج باشد! آقایان "سیسی" ها! اینطور میخواهید جوانان پاکدل را که به جز عشق به میهن، هدف دیگری ندارند و منتها به علت بی تجربگی و نشناختن ماهیت واقعی سازمان شما در کنار تان هستند، از نظر ساواک پنهان دارید؟

ما حفظ این جوانان پر شور و وطن دوست را از وظایف انقلابی خود میدانیم و بدین خاطر است که با وجود همه‌ی این نوع پرووکاسیونها و دشنامها، باز هم هشدار میدهیم: جوانان در دام نیفتید. از این شیوه نادرست بپرهیزید. شیوه‌های اصولی کار مخفی و سازماندهی مخفی را بیاموزید و خود را برای مبارزه جسی در صحنه نبرد اصلی حفظ کنید. مادر مقالهی "گزارشی که ره‌گم کرد" نوشتیم:

"چنانکه خوانندگان آلمان می‌دانند، ما بر اساس مشی سازمانی خود، که نتیجه تجربه سالها مبارزه انقلابی چه در میهن ما و چه در سایر کشورهای دنیا در شرایط ترور و اختناق است، همواره کوشش کرده‌ایم

و هشدار داده ایم، که تشکیل جلسات علنی، شرکت دادن افراد شناخته نشده از طرف ساواک در فعالیت های علنی سیاسی نظیر بازی در نقش های سیاسی، فروش مطبوعات سازمان های اپوزیسیون، پخش اعلامیه در اماکن عمومی و منجمله در ناها رخوری های دانشجویی، و بالاخره شرکت دادن این افراد در تظاهرات علنی خیابانی که خصلت توده ای ندارند و توسط عده محدود وابسته به این گروه ها انجام می گیرند، خطر شناخته شدن دانشجویان جدید را که از طرف ساواک شناخته نیستند، دربردارند.

ما همچنین بارها تاکید کرده ایم که افراد سابقه دار و شناخته شده توسط پلیس که فعلا امکان بازگشت به ایران ندارند، بخوبی از عهده انجام این فعالیت ها برمی آیند و بنا بر این، هیچ گونه ضرورتی در شرکت دادن افراد تازه در چنین فعالیت هایی وجود ندارد.

فعالیت های پرثمر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نشان داده اند که شیوه پیشنهادی ما نه فقط از توان مبارزات افشاگرانه و تهییجی در خارج از کشور نکاسته، بلکه هم امکانات واقعی برای فعالیت دانشجویان شناخته نشده در خارج از ایران بوجود آورده و هم بازگشت به میهن و ادامه مبارزه را در صحنه اصلی پیکار انقلابی ممکن ساخته است.

(صفحه ۱۸ آرمان، سال سوم شماره ۲ اردیبهشت ۵۶)

آیا جواب رهنمود های بالا، دشنام و هتاکسی است؟

آقایان "سیسی" ها!

چرانی گذارید که هواداران نشریات ما را بخوانند آیا تا این حد از ضعف استدلالتان هراس دارید؟

ک.

# آلبانی هم چین را افشا میکند

ضد انقلابی خود را بنمایش میگذارند. آنها پرولتاریای اروپا، کانادا، ژاپن و سایر کشورهای را به صلح اجتماعی، به همکاری با سرمایه داران و در نتیجه به امتناع از انقلاب فرامیخوانند. ارگان کمیته مرکزی حزب کارآلبانی ادامه میدهد که این نظریه شیوا امپریالیستی سیاست نواستعماری و استعمارگرانه کشورهای امپریالیستی را تأیید و از آن پشتیبانی میکند، حضور نظامی ایالات متحده در آلمان فدرال، بلژیک، ایتالیا، ژاپن و غیره را عامل دفاعی نامیده به حمایت از آن برمیخیزد. روزنامه اضافه میکند که چنین نظریاتی برای آزادی خلقها خیلی خطرناک هستند.

"زری ای پوپولیت" نتیجه میگیرد که موعظه تقسیم بشریت به "سه جهان"، بمعنی بی اعتنایی نسبت به تضاد های عدالتی عصر ما و فراخواندن پرولتاریا به وحدت با بورژوازی انحصاری و خلقهای تحت ستم با کشورهای امپریالیستی "جهان دوم" است و این نه به نفع پرولتاریای جهان و نه به نفع خلقهای کشورهای سوسیالیستی است.

از مطالب مطبوعات آلبانی چنین برمیآید که در رتیرانسا، مخالفت باد کترین ضد علمی مائوئیستی تقسیم جهان که طبق آن ایالات متحده و اتحاد شوروی به جهان اول، کشورهای رشد کرده سرمایه داری به جهان دوم و کشورهای در حال رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به جهان سوم تعلق میگیرند، قبل

اخیراً ارگان کمیته مرکزی حزب کار آلبانی، "زری ای پوپولیت" طی مقاله ای از نظریه مائوئیستی "سه جهان" بخاطر "برخورد غیرطبقاتی و پورتونیستی در ارزیابی از جهان معاصر که نسبت به تضاد های عدالتی عصر ما بی اعتنا است" شدیداً انتقاد کرده است. در این مقاله که در اوایل ژوئیه ایامال منتشر شده، "زری ای پوپولیت" طرح "سه جهان" چین را مورد بررسی قرار داده است. روزنامه مذکور به این نتیجه میرسد که هدف این تئوری که وسیعاً از طرف مائوئیست تبلیغ میشود، به تأخیر انداختن روند انقلابی و دفاع از سرمایه داری و سیادت آن است.

"زری ای پوپولیت" کوشش مائوئیستها را در معرفی "جهان سوم" بمثابه "نیروی اصلی در مبارزه با سرمایه داری"، موعظه نظریات تیپیک اپورتونیستی ارزیابی میکند. روزنامه، خاطر نشان میکند که از بدگاه این نظریه، خلقهای کشورهای "جهان سوم" نباید متلاطم یک تئوری خونین فاشیستی بینوشت در شبلی و سایر رژیمهای ارتجاعی مبارزه کنند، بلکه باید با آنها متحد شده از آنها پشتیبانی بعمل آورند.

"زری ای پوپولیت" عین همین ارزیابی را در مورد "جهان دوم" ارائه میدهد. در روزنامه گفته میشود که با معرفی کشورهای "جهان دوم" بمثابه متحدین "جهان سوم" در مبارزه علیه "بر قدرت ها"، مؤلفین طرح "سه جهان" آشکارا مواضع